



یازده شاگرد عیسی به جلیل، به آن کوهی که عیسی گفته بود، آنان را در آنجا خواهد دید، رفتند 17. وقتی آنها عیسی را دیدند، او را پرستش کردند. هرچند که بعضی در شک بودند 18. آنگاه عیسی جلوتر آمده برای آنان صحبت کرد و فرمود: «تمام قدرت در آسمان و بر زمین به من داده شده است 19. پس بروید و همه ملت‌ها را شاگرد من سازید و آنها را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمیم دهید 20 و تعلیم دهید که همه چیزهایی را که به شما گفته‌ام، انجام دهند و بدانید که من هر روزه تا آخر زمان با شما هستم.»

وقتی نوزاد به والدین داده می‌شود، پدر و مادر معمولاً امید بزرگی دارند که فرزندشان آینده خوبی خواهد داشت. این کودک باید قشنگترین بچه در دنیا باشد. باید سالم باشد. او باید ورزشکار خوبی در آینده باشد همچنین باید باهوش باشد یا باید سهم مهمی در جامعه برآورد. وقتی فرزندی به دنیا می‌آید، والدین چنین امیدی شدید به آینده فرزند خود دارند. چنین والدینی به طور خودکار باور دارند که فرزندشان تنها فرصت خوبی را خواهد داشت. اکنون همه ما می‌دانیم که خواسته‌های این والدین نمی‌تواند همیشه برآورده شود. برخی از کودکان برنامه والدین خود را دنبال نمی‌کنند. و بعضی اوقات اوضاع در جهان ما به گونه‌ای است که کودکان نمی‌توانند پیروز باشند حتی اگر بخواهند. والدین و کودکان باید ناامیدی را هم بپذیرند. امروز با امید به آینده نگاه می‌کنیم. امروز خدا به ما وعده می‌دهد: "نترس، من تو را نجات خواهم داد. من تو را به اسم خواندم و تو به من تعلق داری!" در مسیر زندگی ما، این مهم نیست که والدینی داشته باشیم که ما را دوست دارند. مهمترین چیز این است که ما مجاز هستیم بدانیم خدای زنده ای است که ما را می‌خواهد، ما را دوست دارد و به ما احترام می‌گذارد. و این عشق خدا حتی قبل از تولد ما تایید شده است! چون خدا قبل از تولد ما به فکر ما بوده است. پروردگار زندگی تو و من را می‌خواهد! خدا تو را دوست دارد. و او فقط قصد نیک برای من و تو دارد. و این دقیقاً همان چیزی است که خدا امروز می‌خواهد به ما اعلام کند. علاوه بر تمام آرزوها که می‌توانیم در زندگی داشته باشیم، مهم این است که با خدا ارتباط نزدیکی داشته باشیم. حتی وقتی احساس بدی داریم و دیگر امیدی در این دنیا نداریم، می‌توانیم بدانیم خدا وجود دارد. اوست که زندگی ما را در دست می‌گیرد، حتی وقتی در معرض خطر هستیم یا دیگر نمی‌توانیم آینده‌ی خوبی را ببینیم. خدا در زندگی ما برنامه‌ای دارد، حتی اگر نتوانیم این طرح را تشخیص دهیم.

وقتی اولین شاگردان در کوه جلیل با هم دیدار کردند، هیچ برنامه‌ای نداشتند. همچنین آنها نمی‌توانستند نقشه‌ی خدا را در آنجا ببینند. یکی از آنها به عیسی خیانت کرده بود و سپس خودکشی کرده بود. بقیه فرار کردند و عیسی را رها کردند زیرا دیگر

امیدی نمی دیدند. و سپس عیسی مصلوب شد. با مرگ عیسی، رویاهای آنها برای آینده نیز مصلوب شده بود. و علاوه بر این، 11 شاگرد دیگر قهرمانان خاصی نبودند! آنها در مدرسه نمرات خوبی کسب نکرده بودند و کارهای خاصی نیز برای جامعه انجام نداده بودند. آنها حتی به هدف مسیحیان قانع نشده بودند! زیرا مٹی گزارش داد که برخی در مقابل عیسی زانو زده بودند، هر چند که در شک بودند! در این شرایط، عیسی به سراغ آنها آمد و آنچه را که فقط خدا می تواند به آنها بدهد، به آنها داد. او به آنها ایمان برای آینده داد! عیسی گفت: "تمام قدرت در آسمان و زمین به من داده شده است." در این میان، شاگردان نیز فهمیده بودند که قدرت عیسی را نباید با خشونت سیاسی یا با خشونت نظامی اشتباه بگیرند. به طور کلی، مرگ عیسی روی صلیب به وضوح نشان داده بود که عیسی دائماً از خشونت چشم پوشی می کرد. خیر، قدرت خدا کاملاً متفاوت از تصور انسان است. خداوند نمی خواهد انسان ها را تحت فشار یا تحت کنترل قرار دهد. نه، عمل خدا وقتی اثر می کند که کسی این کلمات را می شنود و باور می کند: "گناهان تو آمرزیده شده است!" قدرت خدا وقتی اثر می کند که ما ایمان داشته باشیم خدا با ماست. حتی هنگامی که مرگ نزدیک است قدرت خدا کاری می کند که فرد بدن و خون عیسی مسیح را دریافت کند. و از این طریق در هر زمان با پروردگار زنده در ارتباط هستیم. و اگر کسی بتواند نزدیکی خدا را حتی در مرگ احساس کند، پس به طور عادی در کل زندگی خود هم همین کار را انجام می دهد! و این دقیقاً همان چیزی است که عیسی به شاگردانش قول داد: "من هر روز با شما هستم تا پایان دنیا". عیسی می خواهد که همه ما این نزدیکی خدا را کاملاً دقیق حس کنیم. به همین دلیل عیسی مأموریت ویژه ای به شاگردان خود داد. آنها بایستی به کل دنیا می رفتند و در مورد عیسی به همه می گفتند. آنها بایستی مردم را به نام خدای پدر، پسر و روح القدس تعمید می دادند. با تعمید نام خدا به ما انسان ها نزول می کند! از طریق غسل تعمید وجود خدا و هر آنچه که خدا می خواست روی سر ما جاری می شود. بنابراین پادشاهی خدا و آینده ی خدا با آینده ی ما انسان ها پیوند دارند. عشق خدا بدون محدودیت در زندگی ما جاری می شود! این همه اتفاق می افتد زیرا عیسی چنین وعده داد! شمعون پطرس و سایر شاگردان قبلاً قدرت کلام های عیسی را دیده بودند. وقتی پطرس نتوانست حتی یک ماهی را صید کند، عیسی او را دوباره بیرون فرستاد. پطرس بایستی در روز هنگامی که ماهی صید نمی شود تورها را بیرون می انداخت. در آن زمان، پطرس این کار را با اکراه انجام داد. اما سپس گفت، "تنها به قول تو، این کار را خواهم کرد!" و این همان کاری است که مسیحیان از آن زمان تا امروز انجام می دهند. آنها به قول عیسی به دنیا می روند و کلام خدا را اعلام می کنند و مردم را با تمام زبانهای جهان تعلیم و تعمید می دهند. تا امروز همین کار را انجام می دهند. و این کار حتی در مواقع عدم پیروزی نیز اتفاق می افتد - حتی وقتی کلیسا مورد آزار و اذیت و ستم قرار می گیرد نیز اتفاق می افتد. مسیحیان آموخته اند که همه چیز به کلام خدا بستگی دارد. غسل تعمید از آن جهت مهم است که عیسی به آن سفارش کرده است. شام خداوند چنین نیرویی در زندگی ما دارد زیرا عیسی گفت: بخور و بنوش این بدن من است، این خون من است. اینگونه ما با قدرت کلام های عیسی زندگی خواهیم کرد، حتی اگر احساسات و وضعیت انسانی مان چیزی از قدرت خدا نشان ندهد. عیسی به 11 شاگرد در کوه، قول نداده بود که ثروتمند شوند. همچنین به آنها قول نداده بود که مشهور شوند. او حتی قول نداده بود که از خطر و آزار و اذیت در امان بمانند. برعکس، عیسی اغلب هشدار می داد که مسیحیان مورد آزار و اذیت قرار خواهند گرفت. همانطوری که مردم عیسی را آزار می دادند، پیروان او را نیز آزار خواهند داد. و با این وجود آنها بیرون می رفتند و طبق اراده عیسی انجیل را اعلام می کردند. در طول تاریخ مسیحیان همین کار را انجام داده اند. آنها به سراغ تنهایی و بیماران رفتند. به همین ترتیب به سراغ افراد پیروز و ثروتمند رفتند. آنها به سراغ کسانی رفتند که گرفتار گناهان کبیره بودند. به همین ترتیب به کسانی که خود را به اشتباه نیک می پنداشتند. آنها می خواستند از نزدیک بودن خدا به همه بگویند و می خواستند آنها را دعوت کنند تا فرزندان خدا شوند. به عنوان کلیسای عیسی مسیح، امروز نیز مجاز به انجام این مأموریت عیسی هستیم. ما نمی خواهیم مردم را مجبور کنیم. ما نمی خواهیم آنها را تحت فشار قرار دهیم یا کنترل کنیم. ما نمی خواهیم به غیر مسیحیان بی احترامی کنیم. ما می خواهیم عشق خدا را به آنها نشان دهیم.

حتی اگر عیسی قول پیروزی زمینی را به ما نداده بود، یک چیز را وعده داده است. وعده عیسی این است که او همیشه با ما خواهد بود. وقتی فرزند تازه متولد شده است والدین آن کودک را در آغوش می گیرند، و آنها آینده ای درخشان را برای کودک تصور می کنند. اما والدین زمینی هرگز نمی توانند این آینده را تضمین کنند. زندگی در آغوش خدا متفاوت است. وقتی به نام پدر و پسر و روح القدس تعمید می گیریم، تنها نیستیم. ما با آینده نامشخص روبرو نیستیم راهی که ما با تعمید شروع می کنیم ممکن است دشوار باشد. اما این مسیر یک هدف دارد. هدف ما این است که به آغوش باز خدای زنده بیایم، که در انتظار ما است و گاهی همه ی اشکها را از چشمان ما پاک خواهد کرد. آمین